

اکتبر می پرسد؟ (تخریب سر پناه مردم محله فیض آباد سنندج)

و فعالین کارگری محکوم شده در دادگاه سقز همان قدر ضدکارگری و ضدانسانی است که بگولبه بستن کارگران خاتون آباد و تعرض و تجاوز به حقوق کارگران شرکت واحد و شیشه میرال و فعالین اتحادیه ای و دانشجویی و حقوق مدنی... حتی تخریب خانه های مردم حاشیه شهرها محدود به شهر سنندج یا شهرهای کردستان نیست. این اقدام دامنشانه در جاهای دیگر ایران هم اعمال شده است. اگر تفاوتی هست در اینست که فضا در کردستان ملتهب تر و عرصه های جدال و کشمکش مردم بارزیم گسترده تر است. تهاجم وحشیانه برای تخریب خانه های مردم در محله فیض آباد سنندج در نیمه شب اتفاق افتاد و غافلگیر کننده بود.

میدانند. اکنون در چه موقعیتی هستند و چکار باید بکنند؟ پیام شما به مردم کلا در سنندج در این رابطه چه میباشد؟

مظفر محمدی:

بدوا باید گفت که دولت به ظاهر یکسخت رژیم اسلامی دارد دامنه بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی لاینحل را بطور روز افزونی تشدید میکند. سیاست سرکوبگرانه این دولت در داخل، موج برگشت تعرض مردم را به دنبال خواهد داشت و تشنج آفرینی در سیاست خارجی نیز انزوا و عدم مشروعیت بین المللی این رژیم را تشدید میکند. شخصا تفاوت زیادی در سیاست سرکوبگرانه رژیم در کردستان و سایر نقاط ایران نمی بینم. تعرض به کارگران نساجی کردستان و شاهو



مظفر محمدی

اکتبر:

خیرا رژیم اسلامی در ادامه سیاستهای ضد انسانی، محل سکونت صدها نفر از محله فیض آباد سنندج را بر سرشان خراب کرده است، تاکنون مردمی که خانه هایشان تخریب شده است، بشیوه های متفوت اعتراض کرده اند، اما ارگانهای رژیم آنها را بسر

نجات منصور اصانلو دبیر سندیکای کارگران

شرکت واحد

اعمال فشار اضطراری بر جمهوری اسلامی را

میطلبد!

و اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تحت فشار بسر میرود. امروز موسوی خوئینی یکی از عناصر جمهوری اسلامی چنین خبر داده است. واحد تهران از جمله دبیر سندیکا آقای منصور اصانلو به دلیل تشکیل سندیکا و تلاش برای متحد و متشکل کردن کارگران دستگیر شدند. در حکم جلب آنها تشکیل سندیکای غیرقانونی و تلاش برای سازمان دادن اعتصاب عنوان شده بود به دنبال این واقعه کارگران شرکت واحد روز یکشنبه گذشته 25 دسامبر به اعتصاب



رحمان حسین زاده

به اتحادیه ها و سازمانهای کارگری، به نهادها و شخصیتهای مدافع حقوق انسان ایقلا به اطلاع رساندم روز اول دیماه 1384 برابر با 22 دسامبر 2005 رهبران

فلسفه سرهم بندی "جبهه" بها ادب!

(سرمایه گذاری بر تعصبات ناسیونالیستی در تقابل رادیکالیسم ریشه دار در جامعه)

بیانیه این "قهرمان" قومی اسلامی، نه ارزش علمی دارد و نه ارزش تاریخی، او سالها است که تلاش میکند تصویر نظام آگمش اسلامی را به نوعی قابل تحمل به مردم حقه کند او یاد گرفته است که واقعیات را منقلب کند، این هم از آن دسته تصویرسازیهای کاذبی است که ایشان در آن بارها ناکام مانده است و اکنون دارد بر بستر قوم پرستی و تعصبات و کینه توتزی های قومی مسیر واهی آینده خود را می آزماید.

احمدی نژاد نیز به چشم میخورد. این در حالی است که هفته گذشته جلسه ششم گروه موسوم به اصلاح طلبان کرد به زعامت عبدالله رمضان زاده نیز تشکیل جلسه داده بود. اگر به این همه ترفیك جبهه بازی ها، جبهه ناکام عبدالله مهدی را اضافه کنیم، باید برای نجات خواننده بیگناه از این معرکه، جواب این سوال را که فلسفه این همه شامورتی بازی در اوضاع جاری که منجر به این تحرکات شده است، چیست را بدهیم.



عبدالله شریفی

دیروز نوشنبه نوم ژانویه، خبر ایجاد "جبهه کرد" بهالدین ادب، در منبای رژیم اسلامی و جریانات ناسیونالیسم کرد منعکس شد. در کنار آن و همزمان تشکیل "جبهه جمهور کرد" مرکب از هواداران

صفحه ۳

در صفحات دیگر:

اعتراضات مردم در شهر کرکوک  
اعتراضات فرهنگیان شهر رانیه  
اطلاعیه ها

به مردم سنندج:

مردم فیض آباد به نیروی جمعی شما

چشم دوخته اند!

این فصل سرما و یخبندان جنایت کوچکی نیست. اقدام مقامات رژیم در تخریب منازل مردم فیض آباد، چنان ضدانسانی و بیرحمانه بوده است که مقامات دادگستری و شهرداری جمهوری اسلامی از در استغاثه و التماس درآمده اند و هر ارگان رژیم در ارتکاب این جنایت از خود سلب مسئولیت میکند. اما این عومفریبها و نوروئیهها دردی از مردمی که خانه و کاشانه خود را از دست داده اند، دوا نمیکنند. این تعرض بیرحمانه مقامات و نهادهای رژیم اسلامی به نفس زندگی و حق حیات و داشتن



ایرج فرزاد

مردم مبارز سنندج!

ویران کردن نزدیک به صد خانه مسکونی بر سر بیش از پانصد نفر از مردم محله فیض آباد، آنهم در

صفحه ۳

گروه های گارد آزادی را تشکیل

دهید!

به گارد آزادی بپیوندید!



## از طرف رهبری حزب کمونیت کارگری - حکمتیست

31 دسامبر 2005  
www.hekmatist.com  
Tel: (44) (0) 783 037  
9526  
email:  
mail@hekmatist.com

بسیار جدی تر و اضطرابی سازمانها و نهادهای کارگری و مدافع حقوق انسان در سراسر جهان است. در این رابطه انتظار داریم با تمام امکاناتی که دارید بار دیگر علیه جمهوری اسلامی اعمال فشار کنید و خواستار آزادی فوری منصور اصلانو شوید.

## با احترام رحمان حسین زاده



شرکت واحد علاوه بر مبارزه وسیع در داخل ایران در گرو حمایتها و اعمال فشارهای

"طبق آخرین اخباری که بنده دریافت کرده‌ام پروژه‌ای در حال پیگیری است که تا آقای اصلانو را مجبور به اعترافات تلویزیونی و سناریوی خرید سلاح و ارتباط با خارج از کشور نماید." آنچه گفته شده نشان می‌دهد توطئه جدی و نگران کننده علیه منصور اصلانو و سندیکای کارگران شرکت واحد در جریان است. نجات زندگی و جان منصور اصلانو و نجات سندیکای کارگران

## نجات منصور اصلانو...

دست زدند و همزمان به دنبال اعمال فشارهای وسیع در سطح بین المللی، جمهوری اسلامی مجبور به آزادی همه دستگیر شدگان به جز آقای منصور اصلانو شد. آقای اصلانو کماکان در زندان نفرادی و تحت فشار بسر میبرد. امروز موسوی خونینی یکی از عناصر جمهوری اسلامی چنین خبر داده است.

خسارات وارده بر آنها فوری جبران گردد و بالاخره کمکهایی مالی و محبت‌های گرم و انساندوستانه خود را از آنها دریغ نکنند. این توفیقی است که از مردم سندج میتوان داشت. اگر این اتفاق بیفتد ما را گام مهمی در جهت همبستگی مبارزاتی برای آزادی و حقوق و حرمت انسانی به جلو خواهد برد. در خاتمه می‌خواهم بگویم که حمایت‌های مردم را باید سازمان داد. و این کار فعالین کارگری و جوانان و زنان و معلمان است که این پیوند انسانی را تامین و تضمین کنند. بدون این اقدام رهبری کننده، همدردی و حمایت و نیت‌های انسانی مردم در قلب‌هایشان و در چارچوب خانواده‌های منفرد خواهد ماند و به اقدام عمل در نخواهد آمد.

بخواهند که این مردم را فورا در محل مناسب اسکان دهند و تا تامین خسارات کامل و احداث خانه‌های جدید زندگیشان را تامین کنند. اعتراض به دامن‌نشی و محکوم کردن این جنایت رژیم و تحت فشار قرار دادن مقامات دولتی برای جبران فوری خسارات وارده بر مردم یک وجه کار است. کمکهایی مادی و انساندوستانه و همدردی با این همشهریان و دریافت محبت گرم مردم در این شرایط دشوار وجه دیگر کار و انساندوستی است که جامعه بشری همیشه به آن نیازمند بوده و خواهد بود.

هنوز مردم سندج این دین سیاسی و اجتماعی و انسانی را بر عهده دارند که نگذارند این همسروشان بی‌خلمان شده‌شان تنها بمانند. میبایست از اعتراضات و حق طلبیشان دفاع و حمایت کنند. به اجتماع آنها در جلو ادارات دولتی بپیوندند، نامه و تومارهای اعتراضی و حمایتی بنویسند، اسکان فوریشان را در محل مناسب خواستار شوند و بخواهند که

و بی‌فاوت از کنارش بگذرد. پس انسانیت کجا رفته است؟ صدها زن و مرد و کودک بی‌خانمان شده و گرسنه و سرما زده میبایست مورد حمایت گرم هزاران و دهها هزار همشهری خود قرار می‌گرفتند. همین مردم میتوانستند و هنوز میتوانند این مردم بی‌خانمان را در اسکان معینی که توسط نهادهای



رنگارنگ دولتی تصرف شده اسکان دهند، میتوانستند مقامات شهرداری و فرمانداری و دادگستری را برای پاسخگویی این جنایتشان فراخوانند. میتوانستند و هنوز هم میتوانند هیئت‌های حمایتی در محلات شهر و در میان بازاریان و معلمان و دانشجویان و کارگران شهر درست کنند و با نوشتن نامه و امضای تومار

سرمای زمستان رها شده اند و هر کدام به گوشه‌ای پناه برده و به امکانات فقیرانه دوستان و آشنایان خود متوسل شده اند. کارهای زیادی میشد و هنوز هم میتوان انجام داد. تخریب خانه‌های مسکونی مردم جنایتی است که در حق زنان و مردان و کودکان محله فیض آباد انجام شد و این میبایست به شدت مورد اعتراض مردم سندج قرار گرفته و برایشان غیر قابل قبول باشد، علاوه بر آن به لحاظ انسانی هم نمیتوان چشم‌پوشی بر این فاجعه انسانی بست. تهاجم وحشیانه مثل زلزله بر سر صدها نفر از ساکنان این شهر وارد شده و مردم ناگهان در نیمه‌بگ شب زمستانی و سرد به بیرون از خانه‌هایشان پرتاب شده و حتی فرصت بیرون آوردن کامل وسایلشان را پیدا نکردند. این مردم آسیب دیده از مصیبت جمهوری اسلامی و کودکان خردسال و بدون سرپناه و غذا را چه کسی میتواند شاهد باشد یا بشنود و در عین حال راحت سر کار برود یا با وجدان آسوده بخوابد

## گفتگوی اکتبر با مظفر محمدی... از ص ۱

اعتراض و مقاومت مردم در مقابل این وحشیگری متأسفانه برای جلوگیری از این دامن‌نشی کافی نبود. اگر این مقاومت از پیش سازمان یافته و آگاهانه میبود و اگر همزمان با حضور اعتراضی همه اهالی محله فیض آباد روبرو میشد قطعاً این فاجعه انسانی رخ نمیداد و مسوولان این خانه خرابی و ماموران رژیم را وادار به عقب نشینی میکرد. این اتفاق نیفتاد. متعاقباً اجتماع مردم در جلو استانداری و دادگستری هم با توجهات لحمفانه نمایندگان دولتی از قبیل اینکه دستور از تهران بوده و شهرداری مجری است و با استاندار جدید نیامده و صبر کنید تا ایشان برسند و زمین و خسارت میگیرید و از این قبیل تاکنون بی نتیجه مانده است. در این چند روز پس از تخریب خانه‌های مردم، متأسفانه ما شاهد عکس العمل فعال مردم شهر سندج نبودیم و مردم خانه خراب شده‌تها و بی پناه در

## خود سوزی زنی جوان بدلیل مشلات زندگی! مرگ یک کودک سانه در اثر انفجار مین!

مراتب همدردی داشته و تسلیت می‌گوییم.

## حزب کمونیت کارگری - حکمتیست (کمیته سردشت)

۱۴ دی ۸۴

لازم به ذکر است که قاتل چند سال قبل در اثر تصادم با مین دیگری یک پای خود را از دست داده بود که اکنون از داشتن پای دیگر نیز محروم شد. اینها و صدها لطمات و صدمات روزانه وارد به مردم محروم را نیز باید به پرونده جنایتکاران رژیم اسلامی اضافه کرد تا در وقت خود جوابگوی مردم باشند از جانب کمیته سردشت خود را عمیقاً در مرگ جمیله محمد جانی و نیز فرزند قاتل متاثر و متأسف دانسته و با بقیه اعضای خانواده و بستگانشان

اسلامی بوده خواهد بود. فقر و بیکاری و اخراج و تبعیض و تعرض به حقوق انسان هر روزه و بوسعت تمام ایران بدینسان و بویژه از زنان قربانی می‌گیرد. همچنین یک گزارش دریافتی دیگر خبر میدهد که روز شنبه ۱۰/۱۰/۸۴ ۱۰ مردی بنام قادر یوسفی بهمراه پسر ۱۱ ساله اش از اهالی روستای "کوله سه" در چند کیلومتری سردشت با مینی برخورد می‌کنند که در اثر انفجار آن قادر یک دست و پایش قطع شده و پسرش جانش را از دست میدهد.

در تاریخ ۵/۱۰/۸۴ در سردشت زن ۳۳ ساله‌ای بنام جمیله محمد جانی در اثر فشارهای مالی و مشلات زندگی اقدام به خود سوزی نموده و در اثر جراحات ناشی از شعله‌های آتش قبل از دریافت هیچ کمکی جان باخت. تا آنجا که مشخص شده یکی از دلایل عمده این اقدام، از جانب جمیله اخراج شوهرش از کار، که کارگر شهرداری بوده می‌باشد. جمیله نه اولین و نه آخرین قربانی این توحش و بیعدالتی نظام سرمایه داری و سیستم

در آخرین لحظات اتمام کار این شماره نشریه، طبق خبر رسیده از تشکیلات کردستان حزب کمونیت کارگری عراق، دانش آموزان دبیرستانهای شهر رانیه در اعتراض به نابسامانی وضع آموزش و در حمایت از مبارزات مردم این شهر در رابطه با گرانی مواد معیشتی، دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات چند صد نفره، با یورش افراد مسلح حزب جلال طابانی مواجه شد... مشروح این خبر را در آینده به اطلاع خواهیم رساند.

اکتبر

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

**به مردم سنج...**  
**از صا**

مسکن، قطعاً نباید بی جواب بماند و تمامی اشخاص و نهادهایی که چنین تصمیم ضد انسانی را اتخاذ کرده اند، باید شناسایی و مجازات شوند و رژیم اسلامی خسارت‌های مادی و معنوی را که به مردم وارد کرده است، جبران کند. اما مشکل فعلی مردم را نمیتوان با وعده‌های سرخرمن مقامات رژیم و دست بسر کردن بی مسکن شده هاحل کرد و درد محرومیت از مسکن و سرپناه را، تسکین داد. این مردم باید هم اکنون و فوراً در مراکزى که رژیم مجبور و موظف است برایشان فراهم کند، اسکان داده شوند. کار بازسازی

سریع و فوری منازل تخریب شده باید به عنوان یک حق غیر قابل انکار از نهادهای رژیم در سنجندج مطالبه شود. ولاد کردن مقامات رژیم به عقب نشینی از تعرضی که به زندگی مردم فیض آباد کرده اند، فقط از عهده قربانیان مستقیم این بی رحمیها ساخته نیست. مردم سنجندج و نیروی متحد آنان در همبستگی و پشتیبانی از مردم فیض آباد باید بیش از پیش به مقامات رژیم اسلامی نشان بدهند که تعرض به زندگی هر بخش از مردم در هر محله، تعرض به زندگی تمام مردم شهر است. رژیم اسلامی باید بفهمد که جرأت دست زدن به چنین اقدامات بیرحمانه و اسلامی، را نداشته باشد. مردم سنجندج تاریخی برابر از

همبستگی مبارزاتی را در برابر رژیم اسلامی و نهادهای ارگانه‌های سرکوبگر آن به ثبت رسانده اند. سنجندج، شهر خیزش بهار ۵۸، تحصن یکماهه در زمستان همانسال برای اخراج سپاه پاسداران از محل معروف به باشگاه و شهر ۲۴ روز مقاومت حماسی در برابر توپ باران و خمپاره باران و محاصره نظامی از هر سو بوده است. سنجندج شهر بر پلگردن مراسم اول ماه مه در لوج اختناق و سرکوب رژیم اسلامی و شهر تحرکهای عظیم مردمی در نفاع از حرمت و حقوق کودک و منیت و برابری زن است. جنایتکاران رژیم را باید بار دیگر در برابر این قدرت عظیم قرار داد.

**مردم سنجندج!**

مردم فیض آباد، صندخانوری که سرپناشان را بر سرشان خراب کرده اند، به شما چشم دوخته اند و به قدرت شما که بارها رژیم اسلامی را مات و متحیر و مستاصل و درمانده کرده است، امید بسته اند. این سیل خروشان را به تحرك درآورید و دشمنانمان، آتھائی که خانه ها را بر سرمان خراب میکنند، را بار دیگر از کرده خود پشیمان کنید و تبه کاران رژیم و متعرضین به زندگی مان و به منزل و خانه مان را وادار کنید که بدون کم و کاست تمامی خسارات وارده را جبران کنند.

ایرج فرزاد  
۳ ژوئیه ۲۰۰۶

**فلسفه سرهم بندی "جبهه" بها**  
**ادبا! از صا**

به جنبه های بی اعتباری علمی و تاریخی این هجویت بپردازد. به زعم بها لب، "کردها" از مادها "دغدغه وحنت ملی و پیوستگی نژادی را داشته اند و پادشاهان ماد منادی به رسمیت شناسی حقوق اقوام در پهنه ایران زمین بوده اند..." در خلافت اسلام هم کردها مانند صلاح الدین ایوبی و کریم خان زند برای حقوق ملل جنگیده اند... به به چه تاریخ نویس آگاه و علمی! چه عتیقه ها بی از محصولات اسلامی قومی معاصر را میشود در این تور و زمانه پیدا کرد!...

در سمت استنادار "غیربومی" کردستان شروع بکار کند! و اما رژیم اسلامی در بحرانهای مرگبار دست و پا میزند، منتهی است امثال بها لب در پی بیتوته ای برای آینده خود پرسه میزنند، حضور ناکام آمریکا در عراق، اعتراضات مردم در شهرهای کردستان عراق و سیر معکوس توهم زدایی مردم از قوم پرستان کرد، تلوب صعود و افول امید عراقییزه کردن ایران در میان ناسیونالیسم ایرانی، تفرقه و تشتت رونی حزب کمکرات کردستان ایران، از تب و تاب افتادن فالانتریزم دستجات فاشیسم کرد، این اوضاع در هم ریخته کل منطقه، آن اپیممی که داریوش همایون را تمامیت ارضی طلب میکند و از سر اکراه شاکلی فدرالیسم قومی میشود نیز دارد سرنوشت بها لب را رقم میزند. بها لب در بیانیه اعلام موجودیت "جبهه" خود، رنگ این درهم ریختگی را بر پیشانی دارد. تصادفی نیست که او هم سلطنت طلب است و تمامیت ارضی خواه، هم اسلامی دو آتشه است و هم نوخردادی و "اصلاح طلب ساختاری" است و خط قرمز اینژاش قانون اساسی اسلامی است و هم بر تعصبات باد زده شده قومی و بر بستر کینه و نفرت قوم

پرستی و کارآمدی این تعصبات دست ساز سیا و پنتاگون سرمایه گذاری میکند. واقعیت این است که پرونده بها لب و شرکا روشن است. اینها پدیده های فرعی تر و محصولات درجه چند اوضاع رژیم اسلامی و منطقه هستند. اینها در سایه عمر نگین نظام ضد انسانی اسلامی است که هنوز ابراز وجود میکنند و گرگنه جلیگاه واقعی این جماعت کرسی اتهام و محاکمه آنها میباشد. اینها شریک جرم ۲۶ سال کشتار و سرکوب و بی حقوقی مردم هستند. آقای لب خادم رژیمی است که کشتار و سرکوب مردم ایران و کردستان را ۲۶ سال بیوقفه پیش میبرد. از خمپاره باران و اعدام خلخالی و قتل عام قارانا و قلاتن و اعدامهای جمعی سنجندج و پاوه و مهاباد و لظلات و روزهای خونین و سیاه عمر این رژیم بگنیریم و مختصات تاریخ را همان دیروز و تشکیل جبهه آقای لب فرض بگیریم، باز هم زندانها مملو از جوانان و مردم آزادیخواه هستند، باز هم کارگر بی حقوق و زن در اسارت کامل است، باز هم اسپدپاشی، تخریب خانه و کاشانه مردم، اعدام و شکنجه، فقر و فلاکت از مشخصات ایران و کردستان تحت حاکمیت نظام اسلامی است. و باز هم بها لب و

جبهه نامیوم ایشان از مدافعین پرو پا قرص قانون کثیف این جانیان تشریف دارند! از نظر روانشناسی این شخصیت عجیب، خوب میشود اوضاع رژیم اسلامی و جریانات قومی کرد را دریافت. اتفاقاً این چند بعدی و سرگردانی لب، نه ناشی از سیاست چند جانبه او بلکه ناشی از همان وضعیت به هم ریخته است که منشا امید یکجانبه به "قطبی" را برایشان میسر نمیکند. امید به جریانات سناریو سیاهی مانند حزب کمکرات کردستان در حالی که تشتت و عدم انسجام و بی لیاقتی در سازمان دادن قوم پرستی، جنبش کردایتی را به اشفته بازار و جولان فالانتریزم قومی میل کرده است، جناب لب را به سرانشیب یاس میرد. اما در این میان وجه اشتراك این چند جانبگی و سرگردانی، ضدیت بارادیکالیسم انقلابی است که سال ها است آقای لب، "موبدبانه" و قانونی مجری و خام آن بوده است. واقعیت این است که کمونیزم و رادیکالیسم در جامعه کردستان قوی و موجودیت اجتماعی غیرقابل انکار است، بها لب و هر کسی امثال ایشان که در سلیه جهنم اسلامی به نان و نوایی رسیده باشد این حقیقت را باید کلبوسی هولناک در آینده خود بداند. وحشت از آینده تارابابان لب و

۳ ژوئیه ۲۰۰۶

**نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!**

فعالین کارگری جرمی مرتکب شده اند، از حق خود دفاع کرده اند. احکام زندانی کردن فعالین کارگری باید بدون قید و شرط لغو گردد. به کمپین دفاع از فعالین کارگری بپیوندید!



**مرگ بر جمهوری اسلامی!** **زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**



## مردم کرکوک با اعتراضات و دفاع از زندگی خویش، سال جدید را آغاز کردند! عبدالله شریفی

نوعوستی و انسانیت بر خرافه غلبه کرد. بار دیگر دفاع از زندگی مدنی و مشترک شهروندان يك شهر يك میلیونی رخسار قدرتمند خود را نشان داد. مردم شهر کرکوک باید بلافاصله متشکل شوند، مجامع عمومی محلات و شهر را سازمان



نیروهای آمریکا و دستجات مسلح قومی، به خاک سپرده خواهند شد، در این رابطه تشکیلات حزب در محلات شهر برای مردم جلسات عمومی برگزار کردند تا تشیع جنازه قربانیان و جان باختگان امروز را به حرکتی اعتراضی و سراسری تبدیل کنند.



دهند، اجازه ندهند عوامل دستجات قومی و مذهبی در صفوفشان نفوذ کنند.

رهبران آزادیخواه و کمونیست باید مردم را با اهداف انسانی و تحت پرچم واحد و روشن در نفاع از زندگی، سازمان و رهبری کنند.

نقش کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق و حضور این حزب در راس این تحریکات باید بصورت تقویت فشرده این حزب به عنوان حزب رهبری و نجات جامعه ملایت یابد. کنگره آزادی عراق آن ابزاری است که مردم معترض در اشکال گوناگون میتوانند و باید بست گیرند. ۱ ژانویه ۲۰۰۶

بشدت زخمی شدند. علیرغم کشتار و فشار نیروهای سرکوبگر، مردم در صفوف متحد به اعتراضات خود ادامه دادند. طبق اظهارات زمانکو عزیز در سایت بویپشه و این حرکت اعتراضی تا ساعت ۵ عصر ادامه داشت.

هم چنین بعد از ظهر امروز که خبر اعتراضی مردم رحیم آباد به سایر محلات شهر رسیده بود، مردم محلات سفه نیز به خیابان آمدند و به قصد مصالحه بنزین و نفت منحصر در بنزین خانه های دولتی را داشتند، زد و خورد پلیس با مردم متعرض باعث سوختن بنزین خانه شد، مردم محله شورهجه در حمایت از مردم رحیم آباد به خیابان ریختند و خیابان ها را فرق کردند و مانع تردد وسایل نقلیه دولتی شدند. خبر اعتراضات پراکنده جوانان و مردم در محلات امام قاسم و التضامن نیز در اظهارات رهبران و شاهدان عینی آمده است. در طی این مدت جاده کرکوک سلیمانیه و کرکوک اربیل کاملاً مسدود شد. نیروهای آمریکا از ساعت ۶ عصر حکومت نظامی و منع تحول اعلام کردند. طبق اظهارات رمضان صابر مسول حزب کمونیست کارگری عراق در شهر کرکوک، فردا دوشنبه قربانیان جنایت امروز

محل حرکت کردند. رفته رفته بر شمار تظاهرات کنندگان اضافه شد، دستجات مسلح جریانات قومی تحت نام پلیس، مردم معترض را تهدید کردند و قصد داشتند که حرکت مردم را سد کنند. این خبر در شهر و محلات پیچید، شمار تظاهرات کنندگان بسرعت به چندین هزار نفر رسید. نیروی پلیس ناچار به عقب نشینی شدند و با بفرار گذاشتند. مردم که به محل انرا رسیدند، کارکنان و محل پلیس را تخیله شده یافتند. شمار مردم معترض رو به ازبید بود. در این تجمع، زمانکو عزیز عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق، رمضان صابر مسول تشکیلات کرکوک حزب کمونیست کارگری عراق، آزاد مجید و محمد عزیز از چهره های سرشناس مردم کرکوک و کادرهای این حزب به کرات برای مردم سخنرانی کردند.

لحظاتی بعد نیروهای آمریکا به همراه افراد مسلح دستجات قومی با تجهیزات نظامی به محل تظاهرات اعزام شدند. به اهانت و ضرب و شتم مردم پرداختند، این نیروهای سیاه و مرتجع به سوی مردم معترض محله رحیم آباد آتش گشودند که متأسفانه ۴ نفر جانشان را از دست دادند و چندین نفر

بنا به اطلاعیه تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری عراق و اطلاعیه کنگره آزادی عراق واحد کرکوک، امروز یکشنبه اول ژانویه هزاران نفر از مردم محلات رحیم آباد، شورهجه، تپه، امام قاسم در شهر کرکوک به اعتراض به گرانی مواد سوختی و معیشتی دست به اعتراضات گسترده زدند. نیروهای سرکوبگر آمریکا و دستجات مسلح قومی بسوی مردم معترض تیراندازی کردند و در نتیجه ۴ نفر جان خود را از دست دادند و چندین نفر زخمی شدند.

محله رحیم آباد مدتی است که به دلیل عدم دسترسی به بازار خرید مواد غذایی و گرانی سرسام آور نفت و بنزین همراه سایر محلات شهر در فضای ملتهب بسر میبرد. مردم این محله همراه مردم شهر کرکوک در هفته گذشته نیز دست به اعتراض زده بودند.

سرانجام مردم محله رحیم آباد و گروه پیگیری مطالبات مردم که مدتی است برای پیگیری خواست های مردم شکل گرفته است، امروز ساعت ۹ صبح را برای تظاهرات اعتراضی بسوی مقامات داری محل سازمان دادند. در ابتدا چند صد نفر در گروه های منظم بسوی مرکز پلیس و شهرداری

## اتحادیه شورا و سندیکاهای کارگری عراق خواستار آزادی فوری منصور اصائلو شد!

اعتصاب و مبارزه کارگران شرکت واحد با حمایت گسترده در سطح جهانی روبرو شده است. ادامه این مبارزه حمایت های بسیار وسیعتر و جدیتری را به خود جلب میکند. کارگران شرکت واحد میتوانند بر این حمایت های وسیع از مبارزاتشان برای عقب راندن جمهوری اسلامی اتکا کنند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
[نیمه 1384 - سوم ژانویه 2006  
www.hekmatist.com  
Tel: (44) (0) 783 037 9526  
email: mail@hekmatist.com

را به شدت محکوم میکنیم. خواستار آزادی فوری نامبرده هستیم. در این راستا از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد و همه تشکلهای کارگری و آزادیخواه دنیا را فرا میخوانیم که اعمال فشار خود تا آزاد کردن منصور اصائلو را ادامه دهند.

اعتصاب و ایجاد تشکل کارگری جرم نیست. منصور اصائلو فوری باید آزاد شود.

فلاح علوان  
رئیس اتحادیه شورا و سندیکاهای کارگری  
عراق  
2006-1-2

اطلاعیه دوم بتاریخ 2-1-2006 منتشر شده که متن ترجمه آن را به فارسی در زیر مطالعه میکنید.

منصور اصائلو را فوری آزاد کنید  
بعد از اینکه فشار و نارضایتی کارگران مقابل سرکوبگری جمهوری اسلامی باعث شد که تعدادی از فعالین سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی واحد آزاد شوند. اکنون از طریق اطلاعیه ای از حزب حکمتیست مطلع شدیم که دبیر سندیکای کارگری شرکت واحد، آقای منصور اصائلو کماکان در زندان است و حکمان ایران میخواهند اتهامات بی پایه ای را به وی ببندند. ما دستگیری و زندانی شدن منصور اصائلو

اطلاعیه شماره 11 حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
سازمان سراسری تشکلهای کارگری عراق به نام اتحادیه شورا و سندیکاهای کارگری عراق که شعبات آن در بغداد و بصره و تعدادی از شهرهای اصلی عراق فعالیت دارند، طی دو اطلاعیه دستگیری و زندانی کردن کارگران شرکت واحد و در زندان نگه داشتن منصور اصائلو را بشدت محکوم کرد. اطلاعیه اول این سازمان کارگری به تاریخ 29-12-2005 زمانی منتشر شده که هنوز جمعی از اعضای هیئت مدیره و فعالین شرکت واحد در زندان بوده و خواستار آزادی فوری همه آنها شده است.

تماس با ما:

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی  
esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:  
h\_moradbiegi@yahoo.com  
Tel: 0046762737560

سردبیر:  
sharifi\_abdollah@yahoo.com  
Tel: 00467365226

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بپیوندید!